عبد العظیم حسنی (علیه السلام) و روایات مهدویت

مقدمه

در این نوشتار کوتاه روایاتی از حضرت عبدالعظیم حسنی ( علیه السلام) نقل شده است که در آن به مهدویت و مسائل مربوط به آن اشاره شده است . کوته نوشت حاضر در سه بخش می باشد:

1 - شخصیت و زیست نامه حضرت عبدالعظیم حسنی ( علیه السلام) .

2 - روایات رسیده از وی در باره امام زمان ( علیه السلام) به همراه ترجمه فارس آنها .

3 - یک نتیجه گیری کوتاه بر اساس روایات نقل شده .

زندگانی عبدالعظیم حسنی ( علیه السلام)

عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب ( علیه السلام)، صاحب کتاب «خطب امیرالمؤمنین » و «الیوم و اللیلة » مشهور به حضرت عبدالعظیم و شاه عبدالعظیم، از سادات حسنی و از بزگان این خاندان، و مورد احترام امامان عصر خود و از راویان موثق است .

به موجب روایتی که امام هادی ( علیه السلام) در باب فضیلت زیارت او آمده، روشن می شود که پیش از شهادت این امام بزرگوار (254 ه ق) درگذشته است و می توان گفت در آغاز دهه ششم از سده سوم هجری و در خلافت «المعتز» زندگانی را بدرود گفته است .

مؤلف کتاب «جنة النعیم » با آنکه نام زوجه آن جناب را هم نوشته (1)متعرض تاریخ ولادت، سن و سال دقیق رحلت او نشده و تنها نویسد:

«پس باید وفات حضرت عبدالعظیم، اوایل 250 هجری، چند سال قبل از شهادت حضرت امام علی النقی ( علیه السلام) باشد .» (2)

از امامان بزرگوار، با امام جواد، امام هادی و امام عسکری ( علیهم السلام) معاصر بوده است . اما آیا محضر حضرت امام علی بن موسی ( علیه السلام) را هم درک کرده و حدیثی شنیده است؟

مؤلف الذریعه در این باره می نویسد:

«عصر امام رضا و امام جواد ( علیهم السلام) را درک نمود و ایمان خود را بر امام هادی ( علیه السلام) عرضه کرد . و از برخی کتاب ها نقل است که وفات او در نیمه شوال سال 252 هجری است » . (3)

ابن بابویه در «من لا یحضره الفقیه » در باب روزه یوم الشک، روایتی از او از امام رضا ( علیه السلام) آورده و ذیل آن نوشته است: «مصنف کتاب گوید حدیثی است غریب و آن را جز از طریق عبدالعظیم حسنی نمی شناسم » . (4)

همچنین در تعلیقه شهید ثانی بر «خلاصه » آمده است که حضرت رضا ( علیه السلام) بر زیارت او توصیه فرموده است . (5)لیکن عالم رجالی معاصر جناب آقای شوشتری نویسد:

«ظاهر این است که روایت حضرت رضا ( علیه السلام) در وجوب بهشت برای زیارت فاطمه دختر موسی بن جعفر ( علیه السلام) است، نه برای عبدالعظیم » . (6)

استاد بزرگوار آیة الله خویی (ره)، آنچه را که در کتاب «اختصاص » آمده است که امام هشتم به عبدالعظیم فرمود: «سلام مرا به اولیای من برسان » ، به خاطر ارسال حدیث نامعتمد دانسته و نوشته اند: «متحصل از کلمات اصحاب ما این است که عبدالعظیم، امام رضا ( علیه السلام) را ندیده است، تا چه رسد که در حیات آن امام در گذشته باشد» .(7)

پس ظاهرا بلکه مطمئنا وی محضر امام هشتم را درک نکرده و مستقیما از او روایتی نشنیده است .

مقام او نزد ائمه اطهار

آنچه جلالت قدر این بزرگوار و امامزاده عالی مقدار را هر چه بیشتر آشکار می سازد، و عظمت مقام او را نشان می دهد، فرموده امام عصر اوست درباره اش و همین سخنان است که دانشمندان علم رجال را به تکریم او واداشته است .

سخن امام هادی ( علیه السلام) درباره وی

ابوتراب رویانی از ابوحماد رازی می آورد که بر علی بن محمد ( علیه السلام) در «سر من رای » درآمدم . و او را از مسائل حلال و حرام پرسیدم و مرا پاسخ گفت . چون او را وداع گفتم فرمود:

«حماد! اگر برای تو مشکلی در دین پیش آید، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی بپرس و سلام مرا به او برسان » . (8)

همچنین این امام بزرگوار درباره او دعا کرده و دین او را درست خواند . صدوق به اسناد خود از وی نویسد:

بر امام خویش علی بن محمد بن علی موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ( علیه السلام) درآمد . چون مرا دید فرمود: «مرحبا بر تو ای ابوالقاسم! تو به حق دوست مایی » . گفتم: «پسر رسول خدا! می خواهم دین خود را بر تو عرضه کنم تا اگر پسندیده است بر آن ثابت بمانم تا خدا را دیدار کنم » . فرمودک «بگو!» و چون عقیدت خویش عرضه کردم امام فرمود: «ابوالقاسم، به خدا ای دین خداست که آن را برای بندگانش پسندیده است بر آن پایدار باش خدایت در دنیا و آخرت بر آن پایدار بدارد» . (9)

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهار هجری (10)

1) صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (م 381 ه . ق) کتابی درباره این بزرگوار به نام «اخبار عبدالعظیم » (11)دارد که در آن خبرهای روایت شده از او را آورده است . وی درباره عبدالعظیم نوشته است: عباد، پارسا و مرضی بود . (12)

2) صاحب، اسماعیل بن عباد، ادیب و دانشمند معروف (متوفای 385 ه . ق)، وزیر مؤید الدوله و فخر الدوله دیلمی، مشهور به صاحب به عباد، به تقاضای شخصی، رساله ای در نسب این بزرگوار نوشته و در ضمن آن چنین آورده است:

پارسا و دین دار و عابدو شناخته به امانت و صدق لهجت بود، و عالم به امور دین، و قائل به توحید و عدل، و روایت بسیار از او نقل . از ابوجعفر بن علی بن موسی ( علیه السلام) و پدرش ابوالحسن صاحب عسکر ( علیه السلام) روایت کند و آن دو امام را برای او نامه هاست . (13)

سده ی پنجم هجری

1) علم الهدی و التقی سید مرتضی (م 436 ه . ق) وی را با صفتهای «سید پارسا، عالم زاهد، بلند مرتبت، بزرگ منزلت » ستوده و نویسد:

از امامان، امام جواد، امام هادی و امام عسکری ( علیه السلام) را درک کرد و شیعه از حدیثها و روایتهای او تاکنون بهره برده است . (14)

2) دانشمند رجالی مشهور ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس معروف به نجاشی (م 450 ه . ق) در کتاب رجال خود داستان آمدن این سید بزرگوار را به ری و مخفی زیستن و به عبادت پرداختن او را آورده (چون این داستان در بیشتر کتابها و از جمله کتابهای زیارت آمده، از نوشتن آن صرف نظر می کنیم) . سپس سلسله روایت خود را از وی از طریق احمد بن علی تا به ابوتراب رویانی می آورد و می نویسد: عبدالعظیم بن عبدالله، همه روایتهای خود را برای ما حدیث کرد . (15)

3) شیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسی (م 460 ه . ق) نویسد: عابد، پارسا و مرضی بود . (16)

4) سید عالم نسب دان ابو اسماعیل ابراهیم بن عبدالله بن حسین بن علی شاعر، ساحب کتاب «منتقلة الطالبیة » ، (17)در زمره طالبیانی که به ری آمده اند درباره عبدالعظیم نویسد:

ابوالقاسم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید، محدث و زاهد بود . او را مشهدی است در شجره ری و قبر او زیارت کنند . مادر او ام ولد است .

سده ی هفتم

در کتاب «الشجرة المبارکة فی الانساب الطالبیة » که آن را از امام فخر رازی (18)دانسته اند آمده است:

عبدالعظیم در وی کشته شد و مزار او بدان جا معروف و مشهور است . (19)

آنچه در باب کشته شدن حضرت عبدالعظیم در این کتاب (منسوب به امام فخر) آمده، در کتابهای دیگر نیست . تنها مؤلف «جنة النعیم » نویسد:

بناءا علی هذا استبعادی نمی رود که حضرت عبدالعظیم به امر سلطان جائز و خلیفه معاصر مقتول شده باشد و این بعد از اجتماع شیعیان و محبین و نشر احوال و فضایل و مآثر شریفش بوده است . (20)

ولی آیا کتاب «الشجرة المبارکة » از فخر رازی است؟ چنانکه مصحح محترم در مقدمه کتاب نوشته اند، هیچ کسی از تذکره نویسان، چنین کتاب را در شمار تالیفات فخر رازی نیاورده است .

سده ی هشتم

1) تقی الدین، حسن بن علی بن داوود حلی; [مرحوم سید جلال الدین محدث نویسد:

وی ظاهرا متوفی در نیمه اول سده هشتم هجری است چه کتاب خود را در هفتصد و هفت به پایان رسانیده است ].

تقی الدین درباره او نویسد:

ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب عابدی پارسا و پسندیده بود . (21)

2) حسن بن یوسف بن علی بن مطهر معروف به علامه حلی (م 726 ه . ق) در کتاب «خلاصه » در باره او گوید:

عالم، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند و ما آن حکایت را در کتاب کبیر آورده ایم .

مؤلف «روضات » نویسد:

شاید مقصود از حکایت، داستان عرض دین است بر امام عصر خویش . (22)

سده ی نهم

1) مؤلف کتا «عمدة الطالب » ، سید احمد بن علی داوودی حسنی (م 828 ه . ق) نویسد:

از عبدالله بن علی شدید . عبدالعظیم متولد شد . سیدی زاهد که در مسجد شجره ری مدفون است و قبر او را زیارت کنند و فرزند او محمد است و محمد را اولادی نبود . (23)

و هم این مؤلف در کتاب دیگر نویسد:

ونسل علی الشدید بن الحسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب ( علیه السلام) از عبدالله بن علی است و نسل عبدالله از احمد بن عبدالله و عبدالعظیم و حسن . . . و عبدالعظیم زاهدی بزرگ بود و پسر او محمد نیز . (24)

سده یازدهم

1) محمد باقر بن محمد استرآبادی مشهور به میرداماد (م 1041) ; وی در «الرواشح السماویة » گفته است:

از سخنان ذایع شایع این است که طریق روایت از جهت ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله حسنی، مدفون به مشهد شجره ری - رضی الله تعالی عنه و ارضاه - حسن است، چه او ممدوح است و نصی بر توثیق او نیست . لیکن در نظر من ناقد بصیر و متبصر خبیر این نظر را مستهجن و قبیح می شمارد و اگر دباره او جز حدیث عرض دین و حقیقت معرفت او و فرموده امام هادی ابوالحسن ثالث ( علیه السلام) که «تو به حق دوست مایی » و نسب شریف وی که از سلاله نبوت است نبود، او را کفایت می کرد . (25)

مرحوم نوری نویسد:

محقق داماد در «رواشح » در شرح حال و در فضل زیارت او روایتهای متضافره آورده; از جمله اینکه کسی که او را زیارت کند هشت برای او واجب است . (26)

سده ی دوازدهم

1) شیخ محمد بن حسن حر عاملی (م 1104) مؤلف کتاب «وسائل الشیعه » نویسد:

ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب ( علیه السلام)، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند . این بابویه گفته است او مرضی بود . علامه و نجاشی نیز چنان گفته اند . صدوق در «ثواب الاعمال » آورده است که زیارت او چون زیارت حسین ( علیه السلام) است . (27)

2) علامه مجلسی (م 1110 ه . ق) ذیل عنوان «فضل زیارت عبدالعظیم » روایت منقول از امام هادی ( علیه السلام) را که زیارت عبدالعظیم برابر زیارت حسین ( علیه السلام) است از «ثواب الاعمال » صدوق و «کامل الزیارات » و نیز داستان در آمدن او را به ری تا به خاک سپرده شدنش در باغ عبدالجبار نقل کرده است .

3) محمد بن علی اردبیلی (تاریخ ولادت و وفات او به تحقیق معلوم نیست و چون اجازه مجلسی برای او در سال 1098 صادر شده پس می توان او را از عالمای سده ی یازدهم و متوفای سده ی دوازدهم به شمار آورد) .

اردبیلی در باره ی عبدالعظیم نویسد:

عبدالعظیم بن عبدالله حسن علوی . . . عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که بر نیکویی او دلالت کند (سپس همان روایتی را که مردی از اهل ری نقل کند آورده است) . (28)

سده ی سیزدهم

1) محمد بن اسماعیل حائری (م 1215 ه . ق) در کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال » در باره ی او نویسد:

او راست کتاب «خطب امیرالم ؤمنین ( علیه السلام)) . وی مردی عابد و پارسا بود .

سده ی چهاردهم

1) حاج میرزا ابوالقاسم نراقی مؤلف کتاب «شعب امقال فی احوال الرجال » نویسد:

ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید حسن بن علی بن ابی طالب ثقه ای جلیل القدر بود . گریزان از سلطان به ری درآمد و در آنجا بمرد و به خاک سپرده شد . امام هادی ( علیه السلام) به بعضی از اصحاب خود فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را زیارت می کردی چون کسی بودی که حسین بن علی ( علیه السلام) را زیارت کرده است .(29)

عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت

آنچه فرا روی شماست، مجموعه ایست کوچک از هشت روایتی که از عبدالعظیم حسنی ( علیه السلام) درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است . ای روایت ها که واجد سندهای پذیرفته ای هم هستند در موضوعاتی بسان ویژگی های امام عصر (اروحنافداه) ; غیبت و آثار آن; انتظار و فضیلت آن; عصر ظهور و رخدادهای آن و نیز برتری منتظران بر غیرمنتظران آمده است کوشیده ایم این اخبار را از مصادر و منابع اولیه نقل کنیم .

گفتنی است که از جمله راوایت که در این مجموعه آمده است روایت مشهور به عرض دین است . این روایت بلندترین روایت رسیده از حضرت عبدالعظیم ( علیه السلام) است که تاکنون شرح هایی هم بر آن نگاشته شده است . علت اینکه این روایت در این مجموعه نشسته است، بحث مهدویتی است که در پایان آن مطرح شده است .

[قیام قائم ( علیه السلام)]

عن عبدالعظیم الحسنی (رضی عنه الله) قال: قلت لمحمد بن علی بن موسی ( علیهم السلام) : یا مولای انی لارجو ان تکون القائم من اهل بیت محمد الذی یملا الارض قسطا وعدلا کما ملئت ظلما وجورا .

فقال ( علیه السلام) : مامنا الا قائم بامر الله . ولکن القائم الذی یطهر الله به الارض من اهل الکفر والجحود ویملا الارض قسطا وعدلا هو الذی یخفی علی الناس ولادته، و یغیب عنهم شخصه، و یحرم علیهم تسمیته، و هو سمی رسول الله و کنیه، و هو الذی تطوی له الارض ویذل له کل صعب، یجتمع الیه من اصحابه عدة اهل بدر: ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا من اقاصی الارض وذلک قول الله: «این ما تکونوا یات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شی ء قدیر» (30)فاذا اجتمعت له هذه العدد من اهل الاخلاص اظهر الله امره، فاذا کمل له العقد و هو: عشرة آلاف رجل خرج باذن الله، فلایزال یقتل اعداء الله حتی یرضی عزوجل .

قال عبدالعظیم: فقلت له: یا سیدی! فکیف یعلم ان الله قد رضی؟

قال: یلقی فی قلبه الرحمة، فاذا دخل المدینة اخرج اللات والعزی فاحرقهما (31).

عبدالعظیم حسنی گفت: به حضرت جواد عرض کردم: من امیدوارم که آن «قائم » که زیمن را پر از عدل و داد کند پس از آنکه از جور و ستم پر شده باشد از خاندان حضرت رسول الله، شما باشی .

حضرت فرمود: ای ابوالقاسم! ما اهل بیت همه قائم به امر خداوندیم و راهنمای دین او هستیم، لیکن آن قائم که خداوند بوسیله او جهان را از کفر و آلودگی و ظلم و جنایت پاک خواهد کرد، و جهان را پر از عدل و داد می نماید، کسی است که ولادت او از انظار مخفی می ماند و شخص او از مدم پنهان می شود، و بردن نام او بر مردم حرام می گردد، آن حضرت با پیغمبر هم نام هم کنیه است، وی آن شخصی است که زمین از برای او در هم پیچیده می گردد و هر دشواری برایش آسان می شود، یاران وی که به اندازه ی اصحاب بدر هستند در هر کجای دنیا باشند پیرامونش جمع می شوند، و تفسیر آیه ی شریفه ی «اینما تکونوا یات بکم الله بکم الله جمیعا ان الله علی کل شی ء قدیر» در هر جایی که باشید خداوند همه شما را جمع می کند و پروردگار به همه چیز توانا است ناظر به این خداوند همه شما را جمع می کند و پروردگار به همه چیز توانا است ناظر به این معنی است، هر گاه این عده که از اهل اخلاص اند اجتماعی کنند، خداوند امر او را اظهار خواهد نمود، وقتی که لشگریان آن حضرت که ده هزار نفرند بهم بپیوندند در این هنگام به فرمان و اذن پروردگار ظهور خواهد نمود، و دشمانان خداوند را خواهد کشب تا از وی راضی گردد .

عبدالعظمی حسنی گوید: عرض کردم: آن بزرگوار از کجا می داند که خدا از وی راضی شده است؟

فرمود: در دل وی رحمت و عاطفه ای پیدا می شود که حاکی از رضایت خداوند است و هرگاه داخل مدینه شود، لات و عزی را از قبر بیرون می کند و می سوزاند .

[سنگ باران کردن شیطان در زمان ظهور]

2 . حدتنا محمد بن احمد الشیبانی (رضی عنه الله) قال: حدثنا محمد بن ابی عبدالله الکوفی قال: حدثنا سهل بن زیاد، عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی قال: سمعت اباالحسن علی بن محمد العسکری ( علیهم السلام) یقول: معنی الرجیم انه مرجوم باللعن، مطرود من مواضع الخیر، لا یذکره مؤمن الا لعنه، و ان فی علم الله السابق انه اذا خرج القائم ( علیه السلام) لایبقی مؤمن فی زمانه الا رجمه بالحجارة کما کان قبل ذلک مرجوما باللعن (32).

از عبدالعظیم حسنی ( علیه السلام) رسیده است که گفت از حضرت هادی ( علیه السلام) شنیدم که می فرمود: مقصود از «رجیم » از رحمت و آمرزش دور شدن و از درگاه خداوند رانده گردیدن، و از منبع فیض طرد شدن است، هیچ مؤمنی او را بیاد نمی آورد مگر بالعن و نفرت، و از علم خداوند گذشته که هرگاه ولی عصر ظهور نماید همه ی مؤنین زمان آن حضرت، شیطان را سنگ باران خواهند کرد، همان طور که پیش از او بالعن و نفرین رانده شده بود .

[نامه ی نبوی - علوی]

3 . محمد بن علی بن الحسین قال: حدثنا ابوالعباس محمد بن ابراهیم بن ابراهیم بن اسحاق الطالقانی (رضی عنه الله) قال: حدثنا الحسن بن اسماعیل قال: حدثنا سعید بن محمد بن القطان قال: حدثنا عبیدالله بن موسی الرویانی عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی، عن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب قال: حدثنی عبدالله بن محمد بن جعفر، عن ابیه عن جده ان محمد بن علی باقر العلم ( علیه السلام) جمع ولده و فیهم عمهم زید بن علی، ثم اخرجا کتابا الیهم بخط علی و املاء رسول الله ( صلی الله علیه و آله وسلم) مکتوب فیه:

بسم الله الرحمن الرحیم

هذا کتاب من الله العزیز الحکیم الی محمد نوره وسفیره، وحجابه ودلیله، نزل به الروح الامین من عند رب العالمین .

عظم یا محمد اسمائی، واشکر نعمائی، ولاتجحد آلائی، انی انا الله لا اله الا انا، قاصم الجبارین، ومذل الظالمین، ومبیر المتکبرین، ودیان یوم الدین، انی انا الله لا اله الا انا، فمن رجا غیر فضلی، او خاف غیرعدلی عذبته عذابا لا اعذبه احدا من العالمین; فایای فاعبد، وعلی فتوکل، انی لم ابعث نبیا فاکملت ایامه وانقضت مدته الا جعلت له وصیا وانی فضلتک علی الانبیاء، وفضلت وصیک علی الاوصیاء، واکرمتک بشبلیک بعده و بسبطیک الحسن والحسین، وجعلت حسنا معدن علمی بعد انقضاء مدة ابیه، وجعلت حسینا خازن و حیی واکرمته بالشهادة وختمت له بالسعادة فهو افضل من استشهد و ارفع الشهداء درجة، جعلت کلمتی التامة معه والحجة البالغة عنده، بعترته اثیب واعاقب، اولهم «علی » سید العابدین، وزین اولیائی الماضین، وابنه سمی جده المحمود «محمد» الباقر لعلمی والمعدن الحکمتی، سیهلک المرتابون فی «جعفر» الراد علیه کالراد علی، حق القول منی لاکر من مثوی جعفر، ولاسرنه فی اشیاعه وانصاره واولیائه وانتحبت بعد «موسی » فتنة عمیاء حندس; لان خیط فرضی لاینقطع، و حجتی لاتخفی، وان اولیائی یسقون بالکاس الاوفی، من جحد واحدا منهم فقد حجد نعمتی، ومن غیر آیة من کتابی فقد افتری علی، ویل للمفترین الجاحدین عند انقضاء مدة موسی، عبدی و حبیبی، وخیرتی فی «علی » ولیی وناصری ومن اضع علیه اعباء النبوة، وامتحنه بالاضطلاع بها یقتله عفریت متکبر، یدفن فی المدینة التی بناها العبد الصالح الی جنب شر خلقی . حق القول منی لاسرنه «محمد» ابنه، وخلیفته من بعده و وارث علمه، فهو معدن علمی وموضع سری وحجتی علی خلقی، لا یؤمن به عبد الا جعلت الجنة مثواه و شفعته فی سبعین من اهل بیته کلهم قد استوجبوا النار، واختم بالسعادة لابنه «علی » ولیی وناصری، والشاهد فی خلقی، و امینی علی وحیی، اخرج منه الداعی الی سبیلی، والخازن لعلمی «الحسن » واکمل ذلک بابنه «م ح م د» رحمة للعالمین، علیه کمال موسی و بها عیسی و صبر ایوب، فیذل اولیائی فی زمانه، وتتهادی رؤوسهم کما تتهادی رؤوس الترک والدیلم، فیقتلون، ویحرقون و یکونون خائفین، مرعوبین وجلین، تصبغ الارض بدمائهم، ویفشو الویل والرنة فی نسائهم، اولئک اولیائی حقا، بهم ادفع کل فتنة عمیاء حندس، وبهم اکشف الزلازل، وادفع الآصار والاغلال، اولئک علیهم صلوات من ربهم واولئک هم المهتدون .

ثم قال فی آخره: قال عبدالعظیم: العجب کل العجب لمحمد بن جعفر وخروجه اذ سمع اباه ( علیه السلام) یقول هکذا ویحکیه .

ثم قال: هذا سر الله ودینه ودین ملائکته; فصنه الا اهله واولیائه (33)

3 - عبدالله بن محمد بن جعفر از پدرش و او از جدش روایت کرده که حضرت باقر ( علیه السلام) فرزندان خود را پیرامونش جمع نمود و در میان آنها عم آن حضرت زید بن علی هم بود، پس از آن حضرت باقر ( علیه السلام) کتابی را بیرون آورد که بخط امیرالمؤمنین ( علیه السلام) و املاء حضرت رسول ( صلی الله علیه و آله وسلم) بود، و در آن کتاب مطالب ذیل نوشته شده بود:

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتابی است از خداوند توانا و درستکار بسوی محمد که نور او و سفیر او و حجاب او و رهنمای اوست، این نامه را جبرئیل امین از نزد خداوند جهانیان فرود آورده .

ای محمد! نامهای مرا بزرگ بشمار و از نعمتهای من سپاسگزاری کن، منم خدایی که جز من معبودی نیست، شکننده ی شت ستمگران و عزت دهنده ی ستمدیدگان، و قاضی و حاکم روز رستاخیز . منم خداوندی که جز من معبودی نیست، هر کس غیر از احسان من از دیگری امیدوار باشد، و یا غیر از عدل من از دیگری بترسد او را عذابی دهم که احدی را مانند آن عذاب نکرده باشم اکنون مرا عبادت کن و بر من توکل نما . پیغمبری را مبعوث نمی کنم مگر اینکه در هنگام انقضای زمان او برایش وصیی قرار می دهم، و من تو را بر همه پیغمبران برتری دادم و وصیت را نیز بر سایر اوصیاء برگزیدم، و تو را گرامی داشتم به دو فرزندت حسن و حسین که دو شیر بچه اند، حسن را بعد از گذشتن زمان پدرش معدن علم خود قرار دادم، و حسین را گنجور وحی خویش ساختم و او را به شهادت گرامی داشتم، و عاقبت کار او را به سعادت ختم نمودم، او افضل شهداء است و بلندترین مقام را در میان آنها دارد، کلمه ی تامه و حجت بالغه خود را در نزد او گذاشتم، بوسیله عترت او جزا می دهم و عقاب می کنم اولین آن عترت «علی » است که پیشوای عبادت کنندگان و زینت دوستان گذاشته ام هست، و فرزندش «محمد» که همنام جدش می باشد شکافنده ی علم و معدن حکمت من است، زود است که مردم درباره ی «جعفر» به شک افتند و هلاک گردند، کسی که وی را تکذیب کند گویا مرا تکذیب کرده است، و من جایگاه جعفر را گرامی خواهم داشت، و او را بوسیله شیعیان و دوتسان و پیروانش خوشنود خواهم ساخت . پس از وی به «موسی » فتنه ی تاریک و ظلمانی نازل خواهد شد، رشته تقدیراتم بریده نمی شود و برهانم پنهان نمی ماند و دوستانم از جام پری سیراب می گردند، هر کس یکی از آنها را انکار نماید به نعمت من ناسپاسی کرده، هر که آیه ای از کتاب مرا جا به جا کند بر من دروغ بسته، وای بر مفترین و منکرین . در این هنگام که زمان «موسی » نقضی شود، بنده و دوست و برگزیده ام «علی » که ولی و یاری کننده ی من است خواهد آمد، کسی که سنگینی های نبوت را بر دوش او می گذارم و او را به قوت و نیرو در حمل اعباء رسالت آزمایش می کنم، او را دیوی سرکش و خودپرست خواهد کشت، و در شهری که بنای آن بدست بنده صالح گذاشته شده در نزد بدترین مخلوقات من دفع خواهد گردید . گفتارم ثابت است او را بوسیله فرزندش «محمد» که جانشین و وارث علم و دانش اوست مسرور خواهم ساخت، او معدن علم و محل اسرار و بر مخلوقاتم حجت است، هیچ بنده ای به او ایمان نیاورد مگر اینکه بهشت را جایگاه او قرار خواهم داد، و او را در هفتاد نفر از خویشاوندانش که آتش جهنم بر آنها لازم شده باشد شفیع خواهم ساخت . فرند او «علی » را که دوست و یاری کننده من است عاقبت کارش را به سعادت و خوشبختی پایان می دهم و او را گواه در میان مردمان و امین در وحی خود قرار خواهم داد و از وی دعوت کننده به طریقم و خازن علم خود «حسن » را بیرون خواهم آورد، و او را به فرزندش «م ح م د» که وسیله آمرزش برای جهانیان است تکمیل خواهم نمود . در این فرزند کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب نهفته است، در زمان او دوستانم خوار خواهند شد و سرهای آنها را به یکدیگر هدیه خواهند داد همان طور که سرهای ترک و دیلم را به هم هدیه می دادند، اینان کشته می شوند و سوخته می گردند، آنان همواره ترسان، مرعوب و اندیشه مند هستند، زمین به خون اینها رنگین می شود، فریاد و ناله و بانک و شیون از زنان آنها بلند است، و اینها از دوستان واقعی من هستند، بوسیله اینها هر فتنه تاریک و ظلمانی را دفع خواهم ساخت، و به خاطر اینها زلزله ها را برطرف می کنم و سختی ها و ظلم ها را بر می دارم، این دسته از مردم مشمول رحمت خداوند بوده و صلوات او شامل حال آنها می باشد و اینان هدایت شده هستند .

در پایان حدیث عبدالعظیم فرمود: از محمد بن جعفر تعجب است پس از اینکه این حدیث را از پدرش شنید و آن را از برای مردم بازگو کرد، به گفتار او توجهی نکرد و خروج نموة، این از اسرار پروردگار است، او را از نااهلان نگهدارید .

[عرض دین بر معصوم]

حدثنا علی بن احمد بن موسی الدقان (رضی عنه الله) وعلی بن عبدالله الوراق جمیعا قالا: حدثنا محمد بن هارون الصوفی قال: حدثنا ابو تراب عبیدالله بن موسی الرویانی، عن عبدالعظیم ابن عبدالله الحسنی قال: دخلت علی سیدی علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ( علیهم السلام) فلما بصر بی قال لی: مرحبا بک یا اباالقاسم، انت ولینا حقا .

قال: فقلت له: یابن رسول الله! انی ارید ان اعرض علیک دینی، فان کان مرضیا ثبت علیه حتی الفی الله عزوجل .

فقال: هات یا اباالقاسم .

فقلت: انی اقول ان الله تعالی واحد لیس کمثله شی ء، خارج من الحدین: حد الابطال و حد التشبیه، و انه لیس بجسم ولا صورة ولا عرض ولا جوهر، بل هو مجسم الاجسام، ومصور الصور، وخالق الاعراض والجواهر، ورب کل شی ء و مالکه و خالقه، وجاعله ومحدثه، وان محمدا عبده ورسوله خاتم النبیین، فلا نبی بعده الی یوم القیامة، وان شریعته خاتمة الشرائع، فلا شریعة بعدها الی یوم القیامة، واقول ان الامام والخلیفة وولی الامر بعده امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ( علیه السلام)، ثم الحسن، ثم الحسین، ثم علی بن الحسین، ثم محمد بن علی، ثم جعفر بن محمد، ثم موسی جعفر، ثم علی بن موسی، ثم محمد بن علی، ثم انت یا مولای .

فقال علی ( علیه السلام) : و من بعدی الحسن ابنی، فکیف للناس بالخلف من بعده؟

قال: قلت، وکیف ذاک یا مولای؟

قال: لانه لایری شخصه، ولا یحل ذکره باسمه حتی یخرج فیملا الارض قسطا وعدلا کما ملئت ظلما وجورا

قال: فقلت: اقررت، واقول ان ولیهم ولی الله، وعدوهم عدو الله، وطاعتهم طاعة الله، ومعصیتهم معصیة الله، اقول ان المعراج حق، والمسالة فی القبر حق، و ان الجنة حق، و النار حق، والصراط حق، و المیزان حق، والمیزان حق، والمیزان حق، وان الساعة آتیة لاریب فیها، وان الله یبعث من فی القبور، واقول ان الفرائض الواجبة بعد الولایة الصلاة، والزکاة، والصوم، والحج، والجهاد، والامر بالمعروف و النهی عن المنکر .

فقال علی بن محمد ( علیهماالسلام) : یا اباالقاسم! هذا والله دین الله الذی ارتضاه لعباده فاثبت علیه، ثبتک الله بالقول الثابت فی الحیاة الدنیا وفی الآخرة (34).

عبدالعظیم حسنی فرمود: بر آقا و مولای خود علی بن محمد ( علیهماالسلام) وارد شدم، چون نظر آن حضرت بر من افتاد، فرمود: مرحبا ای ابوالقاسم! تو حقا از دوستان ما هستی .

عبدالعظیم گفت: عرض کردم: ای پسر پیغمبر! میل دارم عقائد دینی خود را بر شما عرضه بدارم، اگر مورد پسند باشد بر او ابت باشم تا به لقای خداوند برسم .

امام ( علیه السلام) فرمود: عقائد خود را اظهار نما .

گفت: عرض کردم: من معتقدم خدا یکی است و مانند او چیزی نیست، و از دو حد ابطال و تشبیه بیرون است، خداوند جسم و صورت و عرض و جوهر نیست، بلکه پروردگار اجسام را جسمیت داده و صورت ها را تصویر فرموده، و اعراض و جواهر را آفریده است، او خداوند همه چیز و مالک و محدث اشیاء است . عقیده دارم محمد ( صلی الله علیه و آله وسلم) بنده و فرستاده ی او خاتم پیغمبران است، و پس از وی تا روز قیامت پیغمبری نخواهد بود، شریعت وی آخرین شرایع بوده و پس از او دینی و مذهبی نخواهد آمد . عقیده ی من درباره ی امامت این است که امام بعد از حضرت رسول ( صلی الله علیه و آله وسلم) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ( صلی الله علیه و آله وسلم) است، بعد از او حسن، پس از وی حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی ( علیهم السلام)، بعد از اینها امام مفترض الطاعه شما هستید .

در این هنگام حضرت هادی ( علیه السلام) فرمود: پس از من فرزندم حسن امام است لیکن مردم درباره ی امام بعد از او چه خواهند کرد؟

گوید: عرض کردم: ای مولای من! مگر جریان زندگی امام بعد از او از چه قرار است؟

فرمود: امام بعد از فرزندم حسن شخصش دیده نمی شود و اسمش در زبانها جایز نیست تا آن گاه که از پس پرده غیب بیرون شود و زمین را از عدل و داد پر نماید، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد .

عبدالعظیم گفت: عرض کردم: به این امام غائب هم معتقد شدم و اکنون می گویم: دوست آنان دوست خدا، و دشمن ایشان دشمنان خدا هستند . طاعت آنان طاعت پروردگار و معصیت و نافرمانی از آنها موجب معصیت اوست . من عقیده دارم که معراج و پرسش در قبر و هم چنین بهشت و دوزخ و صراط و میزان حقند، و روز قیامت خواهد آمد و در وجود آن شکی نیست، و خداوند همه ی مردگان را زنده خواهد کرد، و نیز عقیده دارم که واجبات بعد از اعتقاد به ولایت و امامت عبارت اند از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر .

در این هنگام حضرت هادی ( علیه السلام) فرمود: ای ابوالقاسم! به خدا سوگند این معتقدات شما دین خداست که برای بندگانش برگزیده، بر این عقیده ثابت باش خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و آخرت پایدار بدارد .

[ویژگی انتظار]

5 . الحسین بن علی العلوی، عن سهل بن جمهور، عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی، عن الحسن بن الحسین العرنی، عن علی بن هاشم، عن ابیه، عن ابی جعفر ( علیه السلام) قال: ما ضر من مات منتظرا لامرنا الا یموت فی وسط فسطاط المهدی وعسکره (35).

علی بن هاشم از پدرش از حضرت باقر ( علیه السلام) روایت کرده که آن جناب فرمود: کسی که در انتظار «امر» ما باشد زیانی به او نخواهد رسید، و این شخص مانند این است که در وسط خیمه ی حضرت مهدی و در میان لشگر آن جناب مرده باشد .

[شرایط غیبت]

6 . حدثنا محمد بن احمد الشیبانی (رضی الله عنه)، عن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ( علیهم السلام) عن ابیه عن آبائه عن امیرالمؤمنین ( علیهم السلام) قال: للقائم منا غیبة امدها طویل، کانی بالشیعة یجولون جولان النعم فی غیبته، یطلبون المرعی فلایجدونه، الا فمن ثبت منهم علی دینه ولم یقس قلبه لطول امد غیبة امامه فهو معی فی درجتی یوم القیامة .

ثم قال ( علیه السلام) : ان القائم منا اذا قام لم یکن لاحد فی عنقه بیعة فلذلک تخفی ولادته ویغیب شخصه . (36)

عبدالعظیم حسنی از حضرت جواد ( علیه السلام) و او از آباء گرامش از امیرالمؤمنین روایت نموده که آن بزرگوار فرمود: برای قائم ما غیبتی است که زمان آن بطول خواهد انجامید، من شیعیان را می بینم در غیبت او مانند گوسفندان که در جستجوی چرا گاه این طرف و آن طرف می روند سرگدان خواهند شد، و هرگز بوجود شریف آن حضرت راه پیدا نخواهند کرد . اکنون متوجه باشید هر کس از شیعیان ما در زمان غیبت بر دین و عقیده ی خود ثابت بماند، و دلش از طول غیبت خسته نگردد، وی در روز قیامت در نزد خودم قرار خواهد گرفت .

بعد از آن حضرت فرمود: قائم ما هر گاه قیام نماید تحت تبعیت احدی نخواهد بود، و برای این است که ولادت او از مردم مخفی می ماند، و وجود مقدسش از انظار غایب می گردد .

[منتظرن، بهترین اهل زمان]

7 . حدثنا علی بن عبدالله الوراق قال: حدثنا محمد بن هارون الصوفی، عن عبدالله بن موسی، عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی (رضی الله عنه) قال: حدثنی صفوان بن یحیی، عن ابراهیم بن ابی زیاد، عن ابی حمزة الثمالی، عن ابی خالد الکابلی قال: دخلت علی سیدی علی بن الحسین زین العابدین ( علیهماالسلام) فقلت له: یابن رسول الله! اخبرنی بالذین فرض اللخه عزوجل طاعتهم و مودتهم، واوجب علی عباده الاقتداء بهم بعد رسول الله ( صلی الله علیه و آله وسلم) .

فقال لی: یا کابلی! ان اولی الامر الذین جعلهم الله عزوجل ائمة للناس و اوجب علیهم طاعتهم: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ( علیه السلام)، ثم الحسن، ثم الحسین ابنا علی بن ابی طالب . ثم انتهی الامر الینا، ثم سکت .

فقلت له: سیدی! روی لنا عن امیرالمؤمنین (علی) ( علیه السلام) ان الارض لاتخلو من حجة لله عزوجل علی عباده، فمن الحجه و الامام بعدک؟

قال: ابنی جعفر، واسمه فی التوراة باقر; یبقر العلم بقرا، هو الحجة والامام بعدی، و من بعد محمد ابنه جعفر، واسمه عند اهل السماء الصادق .

فقلت له: یا سیدی! فقلت فکیف صار اسمه الصادق و کلکم صادقون؟

قال: حدثنی ابی ابیه ( علیهماالسلام) ان رسول الله ( علیه السلام) قال: اذا ولد ابنی جعفر بن محمد علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ( علیهم السلام) فسموه الصادق; فان للخامس بن ولده ولدا اسمه جعفر یدعی الامامة اجتراء علی الله و کذبا علیه فهو عند الله جعفر الکذاب المفتری علی الله عزوجل، والمدعی لما لیس له باهل، المخاف علی ابیه والحاسد لاخیه، ذلک الذی یروم کشف ستر الله عند غیبة ولی الله عزوجل .

ثم بکی علی بن الحسین ( علیهماالسلام) بکاء شدیدا ثم قال: کانی بجعفر الکذاب وقد حمل طاغیة زمانه علی تفتیش امر ولی الله، والمغیب فی حفظ الله والتوکیل بحرم ابیه جهلا منه بولادته، وحرصا منه علی قتله ان ظفر به (و) صمعا فی میراثه حتی یاخذه بغیر حقه .

قال ابو خالد: فقلت له: یابن رسول الله! وان ذلک لکائن؟

فقال: ای و ربی ان ذلک لمکتوب عندنا فی الصحیفة التی فیها ذکر المحن التی تجری علینا بعد رسول الله ( صلی الله علیه و آله وسلم) .

قال ابو خالد: فقلت: یابن رسول الله! ثم یکون ماذا؟

قال: ثم تمتد الغیبة بولی الله عزوجل الثانی عشر من اوصیاء رسول الله ( صلی الله علیه و آله وسلم) والائمة بعده .

یا ابا خالد! ان اهل زمان غیبته القائلین بامامته والمنتظرین لظهوره افضل من اهل کل زمان; لان الله تبارک و تعالی اعطاهم من العقول و الافهام والمعرفتة ما صارت به الغیبة عندهم بمنزلة المشاهدة، وجعلهم فی ذلک الزمان بمنزلة المجاهدین بین یدی رسول الله ( صلی الله علیه و آله وسلم) بالسیف، اولئک المخلصون حقا وشیعتننا صدقا، والدعاة الی دین الله عزوجل سرا وجهرا .

و قال علی بن الحسین ( علیهماالسلام) : انتظار الفرج من اعظم الفرج (37).

ابو خالد کابلی گوید: بر سید خود علی بن الحسین ( علیهماالسلام) وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند پیغمبر! از کسانی که خاوند اطلاعت از آنها را پس از پیغمبر واجب نموده و بندگان خود را به اقتدای آنان ملزم ساخته است مرا آگاه نما .

حضرت فرمود: ای کابلی! اولوالامری که پروردگار آنها را برای مردم پیشوا قرار داده و اطلاعت ایشان را واجب نموده است، اولین آنها امیرالمؤمنین ( علیه السلام) و بعد از وی دو فرزندش حسن و حسین ( علیهماالسلام) هستند، پس از این دو نفر مقام آنان به ما رسیده، پس حضرت ساکت شدند .

ابو خالد گوید: عرض کردم: ای سرور من! برای ما روایت کرده اند که امیرالمؤمنین ( علیه السلام) فرمود: زمین هیچگاه از جت خدا خالی نمی ماند پس حجت و امام بعد از تو کیست؟

حضرت فرمود: فرزند من محمد که نام او در تورات باقر است; زیرا که علم را از هم خواهد شکافت و حقائق آن را برای مردم بازگو خواهد کرد او امام و حجت بعد از من است، پس از وی فرزندش «جعفر» حجت و امام است و نام او در نزد اهل آسمان «صادق » است .

راوی گوید: عرض کردم: ای سید من! چگونه وی را «صادق » نامیده اند در حالی که شما اهل بیت همه صادق و راستگو هستید؟

حضرت فرمود: پدرم از پدرش روایت کرده که حضرت رسول ( صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: هر گاه فرزندم جعفر بن محمد متولد شد او را صادق نام بگذارید; زیرا که پنجمین فرزند او که جعفر نام خواهد داشت مدعی مقام امامت خواهد شد، وی دز نزد پروردگار کذاب و مفتری محسوب است و مدعی مقامی است که اهلیت آن را ندارد، او با پدرش مخالفت می نماید و به برادرش حسد می ورزد، او در هنگامی که ولی خدا غایب است قصد افشای اسرار پروردگار را خواهد کرد .

پس از این حضرت سجاد ( علیه السلام) گریه زیادی نموده و فرمود: گویا می بینم جعفر کذاب را در حلیکه طاغیه ی زمان خود را در جستجوی امر ولی خدا راهنمایی می کند، و حلا اینکه ولی پروردگار در محافظت خداوند قرار گرفته و وکاتل حرم پدرش بعهده ی وی نهاده شده، جعفر کذاب از روی جهلی که به ولادت ولی عصر دارد حریص است که آن حضرت را بعد از ولادت بقتل برساند برای اینکه به میراث پدرش دست پیدا کند و ارث او را بدون استحقاق دریافت نماید .

ابو خالد گوید: عرض کردم: ای پسر رسول خدا! این اموری که فرمودید انجام خواهد گرفت؟

حضرت فرمود: آری به پروردگارم سوگند این مطالب در صحیفه ای که نزد ما موجود است نوشته شده، و در آن صحیفه تمام سختیها و پیش آمدهایی که برای ما پیش آمد خواهد کرد مضبوط است .

ابو خالد گوید: عرض کردم: پس از آن چه خواهد شد؟

حضرت فرمود: پس از آن غیبت ولی خدا و دوازدهمین وصی حضرت رسول و ائمه ( علیهم السلام) به درازا خواهد کشید .

فرمود: ای ابو خالد! مردمان زمان غیبت که به امامت او معتقد گردند و منتظر ظهور او باشند بهترین مردمان هستند; زیرا خداوند به اندازه ای به آنان فهم و خرد و شناخت مرحمت فرموده که غیبت در نزد آنها بمنزله مشاهده، و مدرم آن زمان مانند کسانی که در پیشاپیش مقابل حضرت رسول ( صلی الله علیه و آله وسلم) به جهاد پرداخته باشند محسوب خواهند شد، آنها حقا بندگان خالط و شیعیان راستگو هستند، و آنانند که مردم را بسوی دین خدا در آشکار و پنهان دعوت می کنند .

و در پایان حدیث حضرت فرمود: انتظار فرج از بهترین اعمال است .

[ویژگی های مهدی ( علیه السلام)]

8 . حدثنا علی بن احمد بن موسی الدقاق (رضی الله عنه) قال: حدثنا محمد بن هارون الصوفی قال: حدثنا ابو تراب عبدالله بن موسی الرویانی قال: حدثنا عبدالعظیم ابی عبدالله بن علی بن الحسین بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب ( علیهم السلام) [الحسنی]

قال: دخلت علی سیدی محمد بن علی موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین ابن علی بن ابی طالب ( علیهم السلام) وانا ارید ان اساله عن القائم اهو المهدی او غیره، فابتد انی فقال لی: یا اباالقاسم! ان القائم منا هو المهدی یجب ان ینتظر فی غیبته، ویطاع فی ظهوره، وهو الثالث من ولدی، والذی محمدا ( صلی الله علیه و آله وسلم) بالنبوة وخصنا بالامامة انه لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیه فیملا الارض قسطا وعدلا کما ملئت جورا وظلما، وان الله تبارک وتعالی لیصلح له امره فی لیلة کما اصلح امر کلیمه موسی ( علیه السلام) اذ ذهب لیقتبس لاهله نارا فرجع و هو رسول نبی .

ثم قال ( علیه السلام) : افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج (38)

عبدالعظیم حسین گفت: بر ابوجعفر محمد بن علی ( علیهماالسلام) وارد شدم و قصد داشتم که از آن حضرت راجع به «قائم » که آیا مهدی همان است پرسش نمایم . قبل از این که من موضع سؤال را مطرح کنم، آن بزرگوار خود آغاز سخن فرمود، گفت: این ابوالقاسم! بدرستی که قائم از خاندان ما همان «مهدی » است که واجب است انتظار او کشیده شود در غیبتش، و اطاعت گردد در ظهورش، وی سومین فرزند از اولاد من است . سوگند به خدایی که محمد را براستی برانگیخت، و ما را به امامت مخصوص گردانید اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طول خواهد داد که تا مهدی از پشت پرده ی غیبت بیرون گردد، و زمین را از عدل و داد پر نماید همان طور که از جور و ستم پر شده باشد، خداوند امور ولی عصر را در یک شب اصلاح خواهد نمود، به همان روشی که امر موسی بن عمران را در هنگامی که رفت از کوه آتش بیاورد اصلاح فرمود و او را به اهلش برگردانید در حالیکه پیغمبر بود .

و در پایان حدیث حضرت فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است .

نتیجه:

از روایت نقل شده از طریق عبدالعظیم حسنی ( علیه السلام) در باره امام عصر ( علیه السلام) می توان به نتایج و تعالیم زیر دست پیدا کرد:

1 . امام زمان ( علیه السلام) سومین فرزند امام محمدتقی ( علیه السلام) و همنام و هم کنیه با پیامبر ( صلی الله علیه و آله وسلم) است .

2 . امام عصر ( علیه السلام)، پس از آنکه جهان سرشار از ظلم و ستم شده است، آن را از عدل و داد آکنده می کند .

3 . تعداد یاران اولیه او در ابتدا 313 نفر و به تعداد نفرات لشکر اسلام در جنگ بدر است و پس از آن با سپاهی که ده هزار نفر می باشند به فرمان الهی قیام می کند .

4 . بیعت هیچ کسی در گردن او نیست .

5 . از دشمنان خدا، آنقدر می کشد تا خداوند خشنود گردد .

6 . خداوند کار او را در یک شب اصلاح می کند، چنانکه مشکل موسی کلیم را در یک شب اصلاح کرد .

7 . بهترین اعمال شیعیان، انتظار فرج است و بهترین افراد منتظران ظهور اویند .

فیارب عجل فی ظهور امامنا

فهذا دعاء للبریة شامل .

پی نوشت:

1) جنة النعیم والعیش السلیم، المولی باقر بن اسماعیل المازندرانی (م 1313 ه . ق) ص 444 چاپ سنگی تهران .

2) جنة النعیم، ص 402 .

3) الذریعة، ذیل عنوان خطیب امیرالمؤمنین ( علیه السلام) .

4) من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 80 .

5) روضات الجنات، محمدباقر الخوانساری، ج 4، ص 210 .

6) قاموس الرجال، التستری، ج 5، ص 374 .

7) معجم رجال الحدیث، ج 10، ص 49 .

8) رسالة صاحب بن عباد به نقل ری باستان، حسین کریمان، ج 1، ص 356; روضات، ج 4، ص 208 حضرت آیة الله خویی نوشته اند این روایت لااقل از جهت مرسل بودن ضعیف است (معجم رجال الحدیث، ج 10، ص 49) .

9) توحید، ص 81 - 82، روضات، ج 4، ص 207 و 208 .

10) ترتیب قرن بر حسب درگذشت نویسنده است .

11) ریحانة الادب، محمدعلی مدرس تبریزی .

12) جنة النعیم .

13) روضات، ج 4، ص 208 .

14) سرالانساب، ص 10، به نقل ری باستان، ج 1، ص 389 .

15) رجال نجاشی، چاپ سنگی، تهران، 1317 ه . ق .

16) جنة النعیم، ص 471 .

17) منتقلة الطالبیة، نسخه عکسی کتابخانه لغت نامه دهخدا .

18) امام فخر رازی (م 606 ه) از دانشمندان اهل سنت است .

19) الشجرة المبارکة، ص 64، منشورات کتابخانه آیة الله مرعشی .

20) جنة النعیم، ص 401 .

21) کتاب الرجال، چاپ مرحوم محدث، ص 226 .

22) روضات، ج 4، ص 210 .

23) عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص 75 .

24) الفصول الفخریة، چاپ مرحوم محدث، ص 107 .

25) روضات، ج 4، ص 209 و آن از ارواشح .

26) مستدرک الوسائل، ج 10، ص 367 .

27) وسائل، چاپ دار احیاء التراث، ج 20، ص 228 - 229 .

28) جامع الرواة، الاردبیلی، ص 460 .

29) شعب المقال، النراقی، ص 70 - 71 ر . ک: مقاله «عظمت شخصیت عبدالعظیم حسنی ( علیه السلام)» ، سید جعفر شهیدی، مجله علوم حدیث، ش 1 .

30) البقرة/148 .

31) کمال الدین 1/36; الاحتجاج 2/249 .

32) معانی الاخبار ص 139، باب معنی الرجیم .

33) کمال الدین، ب 28، ح 3 .

34) الامالی للصدوق 419; روضة الواعظین 31; کفایة الاثر 286 .

35) الکافی 1/372 .

36) کمال الدین، ج 1، ص 303 .

37) کمال الدین و تمام النعمة 319 .

38) کمال الدین، ص 377 .